

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعیم سلیمی- کابل افغانستان

۳۱ اکتوبر ۲۰۲۰



نعیم سلیمی

بیشتر از این ما را پراکنده نسازید!

یاددہانی!

این مطلب اساساً در ماه نومبر ۲۰۱۷ به دست نشر سپرده شده بود، ولی بنا بر اوج گرفتن جنون گرایش های فاشیستی درین اواخر در کشور، جهت حذف هویت فرهنگی اقوام ساکن کشور ما، لازم دانستم تا مجدداً آن را بعد از ویراستاری مجدد، با خوانندگان این صفحه شریک سازم!

با احترامات فائقه

نعیم سلیمی

شکر شکن شوند همه طوطیان هند زین قند پارسی که بنگاله می رود

درین اواخر ازینسو و آنسو غوغا های زیادی چه از داخل حلقالت حاکم قدرت در کابل و هم آنهایی که قسماً به آن دل بسته و وابسته اند مینی بر فارسی زدائی که در واقعیت همان دری فارسی ستیزی است برای برهم زدن اتحاد و همبستگی اقوام ساکن افغانستان، برپا گردیده است که هدف اساسی آن انصراف افکار عامه از عوامل اصلی درگیری و جنگ در افغانستان، منفصل ساختن و انزوای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مردم ما از یک طرف و از جانب دیگر ادامه سوختاندن مردم در تنور سوزان این جنگ به قیمت تخریب و بطی ساختن پروسه ملت سازی در افغانستان است از دیدگاه رهنورد زریاب داستان سرای، نویسنده و ادیب چیره دست کشور ما، «میان دری، فارسی دری و فارسی هیچ فرقی نیست. ما وقتی خرد سال بودیم و به مکتب می رفتیم، بر پشت کتاب ما نوشته شده بود: "قرائت فارسی"، یعنی تا چهل سال، همین زبان هم در دولت و هم در بین کوچه و بازار به نام زبان فارسی یاد میشد(1)»؛ جناب زریاب برای آوردن اثبات و مدرکی درینمورد به منظومه ها و سروده های شیر و شکر حافظ شیرازی غزلسرای بزرگی از

دودمان شعر و ادب پارسی (۷۲۶ ه ق - ۷۹۱ ه ق) و اشرف خان هجری فرزند خوشحال خان ختک چون مشتی از نمونه خروار اشاره میکند :

چو عندلیب فصاحت فروشد ای حافظ تو قند او به سخن گفتن دری بشکن

در جای دیگر :

شکر شکن شوند همه طوطیان هند زین قند پارسی که بنگاله می رود

اشرف خان هجری :

آفرین ای ختک به نظم دری پیش ارباب فضل منظوری

باز هم حافظ :

ز شعر دلکش حافظ کسی بود آگاه که لطف طبع و سخن گفتن دری داند

حکیم ناصر خسرو قبادیانی بلخی (۳۹۴ ه ق - ۴۸۱ ه ق) یکی از شاعران و فیلسوفان نام آور سخنسرای زبان دری فارسی در قصیده طولانی شماره ۶ خویش (2) که با « نکوهش مکن چرخ نیلوفری را » آغاز می گردد در مورد زبان دری می گوید :

من آنم که در پای خوگان (خوگان) نریزم مر این قیمتی در لفظ دری را

ناصر خسرو بلخی که در عین زمان یک سیاح و دوره گرد زمانش بود در اثر ماندگارش " سفرنامه " در بخش پنجم آن که به دیدارش با شیخ بایزید بسطامی اختصاص داده شده در مسیر راه کوان از رسیدنش به قومس خبر می دهد و از ملاقاتش با یکتن از شاگردان ابوعلی سینا فیلسوف و دانشمند شهیر خراسان به نام استاد علی نساعی یاد می کند که به زبان فارسی(دری) همی سخن می گفت . (3) از وضاحت متن سفرنامه چنین پیداست که این ملاقات بین جانبین به زبان فارسی دری صورت گرفته است، هرچندی که علی نساعی به زبان "اهل دیلم" صحبت می کرده ولی به زبان فارسی نیز دسترسی داشته است .

هر چندی که ادبیات و شعر و شاعری در ساحه رشته تحصیلی من قرار ندارد ، ولی حق داشتم و دارم تا به عنوان یکی از شیفتگان فرهنگ و ادبیات زبان دری فارسی در محدوده درک اندک خود در این مورد بنویسم. اگر در جریان نگارش این مطلب مرتکب خطائی شده باشم مرا یاری رسانیده و با شریک ساختن نظرات و اندوخته هایتان در این مورد به غنمندی موضوع بیفزائید .

در انتهای این نوشته اندک می خواهم یاد آور شوم این که کشور عزیز ما افغانستان در چهار دهه قبل به خصوص ۱۷ سال اخیر از یک دیگدان آتشی که به دست امپریالیسم جهانی افروخته شد به یک تنوری از جهنم مبدل گردیده است که مردم ما هر لحظه و هر دقیقه در آن می سوزند . به عبارت دیگر وطن ما به یک مسلخی از قربانگاه مبدل گردیده است که در آن به جای گوسفندان ، انسانهای این سرزمین با انفجار و انتحار قصابی و بریان می شوند . بناءً پیغام و هشدار من به آنانی که برای داغ نگهداشتن این تنور خس و خاشاک می ریزند این است که دیگر ما را اضافه ازین پراکنده نسازید و نسوزانید ، زیرا شعله های این آتش و حتی دود برخاسته از آن شما را نیز می سوزاند و چشمان تان را کور می سازد . در اینجا روایتی از اساطیر افسانه ئی دینی یونان باستان که در این تازگی ها آن را خوانده بودم به یادم آمد: «دیدالیوس یک تن از اسرای مخترع ، بالهای مصنوعی را ساخت تا به وسیله آن خود و فرزندش ایراکوس از جزیره کریت فرار کنند. فرزندش ایراکوس چون از بالها زیاد خوشش می آمد علی رغم اخطار پدرش با آن بالها در نزدیکی آفتاب پرواز نمود . القصه این که موم هائی که بالها را به هم متصل نگه می داشتند ذوب شدند و در پایان ایراکوس بیچاره به بحر سقوط نمود و هلاک شد » (4) ؛نتیجه و پیام این افسانه برای آنانی که با آتش و باروت بازی می کنند

روشن و واضح است : غرور ، تکبر و استکبار شما فزونی نگیرد و دیگر مردم ما را نسوزانید تا شما هم در غرقاب اندوه اقیانوس مردم بی گناه ما غرق نشوید .

پایان

فهرست منابع :

- ۱- ص 1، مصاحبه بخش افغانستان دویچه ویله « موج المان » سایت جهانی برنامه های رادیویی ، تلویزیونی و انترنیتی المان با رهنورد زریاب نویسنده و ادیب افغانستان مورخ ۱۸/ ۲/۲۰۰۸
- ۲- قصیده شماره ۶ از گنجور دیوان اشعار ناصر خسرو بلخی .
- ۳- بخش پنجم سفر نامه ناصر خسرو برگزیده از مجموعه انترنیتی اشعار فارسی مؤسسه نشراتی دید (Dead) ۱۳۶۴
- ۴- مضمون شماره تازه و فوق العاده ماه های نومبر – دسامبر مجله تایم (Time) به زبان انگلیسی به قلم جیمز ستاودیتس رئیس دانشگاه حقوق و دیپلوماسی در پوهنتون تافتس (Tufts Univercity) زیر نام " ایا بایستی مخالفان و رد کنندگان در اداره دونالد ترمپ ایفای وظیفه بکنند؟"